

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان: سجاد عطازاده

۰۴ فبروری ۲۰۲۴

دعوا بر سر نظم جدید جهان است

سفیدخوانی یادداشت تحلیلی رئیس سازمان جاسوسی امریکا: چین و روسیه در چه وضعیتی قرار دارند؟ کلید غرب آسیا در دست رفتار ایران است



ویلیام برنز، رئیس سازمان اطلاعات مرکزی -جوانید جاسوسی- امریکا (سیا)، در مقاله «جاسوسی و دولت‌مداری» که در وبسایت فارن افرز منتشر شده است به ارائه گزارش خود از اقدامات سیا و همچنین برنامه‌های آتی این سازمان پرداخته است. در نگاه اول آنچه بسیار جالب به نظر می‌رسد، مرئی شدن جاسوسی ایالات‌متحده و صحبت از آن با افتخار است؛ این درحالی است که پیش‌تر گرایش به عدم‌صحبت درباره این مورد بین مسئولان امریکائی وجود داشت. در عین حال خواندن بین سطور این نوشته نیز نکاتی بسیار مهم را روشن می‌سازد. اولاً برنز در گزاره‌ای که البته پیش‌تر نیز به کرات بیان شده اما شنیدن آن از سوی یک مقام رسمی دولت امریکا تازگی دارد، به عدم برتری بلامنازع ایالات‌متحده در دنیای کنونی اذعان می‌کند. به‌علاوه برنز به روشنی از بیم امریکا از چین سخن می‌گوید مثلاً آنجا که اعلام می‌کند سیا یکی از مراکز ماموریتی خود را به چین اختصاص داده است؛ اقدامی که اولین بار برای کشوری منفرد انجام می‌گیرد. به‌علاوه از شکست‌های اطلاعاتی اخیر امریکا نیز صحبتی نمی‌شود؛ شکست‌هایی که یکی از آخرین نمودهای آن در افغانستان و در جریان برآمدن طالبان رخ نمود. اما آنچه برای مخاطب ایرانی جذاب‌تر است، اعتراف برنز به این نکته است که کلید امنیت منطقه غرب آسیا در دستان جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

از همان زمانی که کشورها اسرار خود را از یکدیگر مخفی نگه داشته‌اند، تلاش برای دزدی این محرمانه‌ها نیز آغاز شده است. جاسوسی بخش جدائی‌ناپذیری از حکومت‌داری بوده و خواهد بود، حتی اگر تکنیک‌های آن به‌طور مداوم در حال تکامل باشند. اولین جاسوسان امریکا جنگ انقلاب را با استفاده از رمزها، شبکه‌هایی از پیک‌های مخفی و جوهر نامرئی برای مکاتبه با یکدیگر و متحدان خارجی خود سپری کردند. در جنگ جهانی دوم، حوزه نوظهور اطلاعات سیگنالی به کشف نقشه‌های جنگی جاپان کمک کرد. در اوایل جنگ سرد نیز با ظهور هواپیماهای یو-۲ و دیگر هواپیماهای جاسوسی که می‌توانستند در ارتفاع بالا از تاسیسات نظامی شوروی با وضوحی فوق‌العاده عکس‌برداری کنند، توانایی‌های اطلاعاتی ایالات‌متحده سر به استراتوسفر گذاشت.

ستاره‌های حک شده روی دیوار یادبود مقر سیا در لانگلی و برجینیا، نماد تجلیل از ۱۴۰ افسر این آژانس اطلاعاتی هستند که جان خود را برای خدمت به کشورشان فدا کردند. این یادبود یادآوری ماندگاری از اقدامات شجاعانه بی‌شمار آنان محسوب می‌شود. با این حال این نمونه‌های قهرمانی و دیگر موفقیت‌های بی‌سروصدای سیا برای عموم مردم امریکا بسیار کمتر از اشتباهاتی که بعضاً تاریخ این آژانس را مخدوش کرده است، شناخته شده هستند. آزمون سرنوشت‌سازی که همیشه پیش‌روی دستگاه‌های اطلاعاتی قرار داشته، پیش‌بینی و کمک به سیاست‌گذاران برای حرکت در مسیر تغییرات عمیق پیش‌رو در چشم‌انداز بین‌المللی بوده است، لحظات سرنوشت‌سازی که تنها چندبار در هر قرن اتفاق می‌افتند.

همان‌طور که پرزیدنت جو بایدن به کرات اظهار داشته است، ایالات‌متحده امروز با یکی از همین لحظات نادر مواجه است؛ هنگام‌های که ارزشی برابر با طلوع جنگ سرد یا دوره پس از ۱۱ سپتامبر دارد. ظهور چین و انتقام‌خواهی روسیه [انتقام‌گرایی یا روان‌شیسیم تجلی سیاسی اراده یک ملت برای جبران خسارت‌های سرزمین‌های از دست‌رفته‌اش در اثر جنگ یا جنبش‌های اجتماعی است] مشکل‌های ژئوپلیتیکی دلهره‌آوری را در دنیای رقابت‌های شدید راهبردی ایجاد کرده است؛ دنیایی که در آن ایالات‌متحده دیگر از برتری بلامنزاع برخوردار نیست و تهدیدات اقلیمی وجودی هم در حال افزایش هستند. آنچه این وضعیت را پیچیده‌تر کرده، انقلاب فناورانه‌ای است که حتی فراگیرتر از انقلاب صنعتی یا آغاز عصر هسته‌ای به‌شمار می‌رود. ریزتراشه‌های هوش مصنوعی، محاسبات کوانتومی و دیگر اشکال فناوری‌های نوظهور در حال متحول کردن جهان و از جمله حرفه اطلاعاتی هستند. از بسیاری جهات این تحولات کار سیا را سخت‌تر از همیشه کرده و ابزارهای قدرتمندی را در اختیار دشمنان قرار می‌دهند تا ما را گیج کنند، از ما بگریزند و دست به جاسوسی از ما بزنند.

با این حال و فارغ از میزان تغییراتی که در جهان رخ می‌نماید، جاسوسی همچنان محصول تعامل بین انسان و فناوری باقی خواهد ماند زیرا همچنان رازهایی وجود خواهند داشت که فقط انسان‌ها می‌توانند آنها را جمع‌آوری کنند و عملیات‌های مخفی که فقط انسان‌ها می‌توانند آنها را انجام دهند. پیشرفت‌های فناورانه، به‌ویژه در حوزه شنود الکترونیکی، سبب نشده است تا پیش‌بینی برخی مینی‌پر از حیز انتفاع ساقط شدن عملیات‌های انسانی درست از آب دربیاید، بلکه آنها انقلابی در این حوزه ایجاد کرده‌اند. سیا برای اینکه یک سرویس اطلاعاتی موثر در قرن بیست‌ویکم باشد، باید تسلط بر فناوری‌های نوظهور را با مهارت‌های مردم-به-مردم و جسارت فردی که همیشه در قلب حرفه ما بوده است، در هم آمیزد. این امر به معنای تجهیز افسران عملیات به ابزارها و مهارت‌های لازم برای انجام جاسوسی در دنیای نظارت مداوم فناورانه است. ضمناً باید تحلیل‌گران را به مدل‌های پیشرفته هوش مصنوعی که می‌توانند مقادیر عظیمی از اطلاعات منبع باز و به‌طور مخفیانه به‌دست آمده را پردازش کنند، مجهز کرد تا آنها بهترین قضاوت انسانی را انجام دهند.

در عین حال آنچه سیا با اطلاعات جمع‌آوری شده انجام می‌دهد نیز در حال تغییر است. «از طبقه‌بندی خارج کردن راهبردی» که منظور از آن افشای تعمدی اسرار خاص برای تضعیف رقبا و تقویت متحدان است، به ابزار قدرتمندی برای سیاستگذاران تبدیل شده. البته کاربرد این ابزار به معنای به خطر انداختن همراه با بی‌مبالاتی منابع یا روش‌های مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات نیست، بلکه به معنای مقاومت عاقلانه در برابر میل شدید طبقه‌بندی کردن همه چیز است. جامعه اطلاعاتی ایالات متحده همچنین در حال یادگیری ارزش روزافزون دیپلماسی اطلاعاتی است و به درک جدیدی از اینکه چگونه تلاش‌های آن برای تقویت متحدان و مقابله با دشمنان می‌تواند از سیاستگذاران حمایت کند، رسیده است.

اکنون زمان مشکل‌های تاریخی برای سیا و کل جامعه اطلاعاتی است؛ تغییرات ژئوپلیتیکی و فناوریانه ما را در برابر یکی از بزرگترین آزمون‌های تاریخ قرار داده است. موفقیت در این جدال به ترکیب هوش سنتی انسانی با فناوری‌های نوظهور به شکلی خلاقانه بستگی دارد. به عبارت دیگر کامیابی مستلزم انطباق با جهانی است که تنها پیش‌بینی مطمئن درباره تغییرات آن، شتاب گرفتن این تغییرات است.

پوتین بدون مانع

دوران پس از جنگ سرد در لحظه‌ای که روسیه در فوریه ۲۰۲۲ به اوکراین حمله کرد، به پایان قطعی خود رسید. من بیشتر از دو دهه گذشته را صرف درک ترکیب قابل اشتعال کینه، جاه‌طلبی و ناامنی کرده‌ام که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه نماد آن است. نتیجه‌ای که من به آن دست یافته‌ام این است دست‌کم گرفتن علاقه او به کنترل اوکراین و انتخاب‌های حاصل از آن اشتباه است زیرا پوتین معتقد است بدون این کنترل غیرممکن است روسیه تبدیل به یک قدرت بزرگ شده یا خود او یک رهبر بزرگ باشد. این تمایل غم‌انگیز و وحشیانه سبب سرافکنندگی روسیه شده و پرده از نقاط ضعف آن، از اقتصاد تک‌بعدی گرفته تا قدرت نظامی توخالی و نظام سیاسی فاسد، برداشته است. تهاجم پوتین همچنین عزم مردم اوکراین را برانگیخته است. من در سفرهای مکرر خود به اوکراین شاهد شجاعت آنان بوده‌ام، سفرهایی که با حملات هوایی روسیه و تصاویر واضحی از سرسختی و نبوغ اوکراینی‌ها در میدان‌های نبرد همراه بوده است.

جنگ پوتین در بسیاری از سطوح برای روسیه شکست به همراه آورده است. هدف اولیه او مبنی بر تصرف کیف و تحت سلطه در آوردن اوکراین، احمقانه و توهم‌آمیز بود. ارتش روسیه صدمات زیادی را متحمل شده است. حداقل ۳۱۵ هزار سرباز روسی کشته یا زخمی شده‌اند و دوسوم موجودی قبل از جنگ تانک‌های روسیه نابود شده و تشتت رسوایی برنامه نوسازی نظامی پوتین که دهه‌ها به طول انجامیده بود، از بام افتاده است. همه این موارد نتیجه مستقیم شجاعت و مهارت سربازان اوکراینی است که از پشتیبانی غرب نیز برخوردارند. در همین حال اقتصاد روسیه با ضربات بلندمدتی دست‌وپنجه نرم می‌کند و این کشور هر روز در باتلاق تبدیل به خراج‌گذار اقتصادی جدید چین بیشتر غرق می‌شود. جاه‌طلبی‌های بیش از حد پوتین نتیجه معکوس دیگری نیز داشته است؛ ناتو بزرگتر و قوی‌تر شده است. اگرچه به نظر نمی‌رسد قدرت سرکوبگرانه پوتین به این زودی‌ها رو به تضعیف بگذارد، اما جنگ در اوکراین بی‌سر و صدا در حال فرسایش قدرت او در داخل کشور است. شورش کوتاهمدتی که در ژوئن گذشته توسط رهبر مزدوران [واگنر]، یوگنی پریگورین راه‌اندازی شد، پرده را برای مدت کمی از روی ناکارآمدی‌های نهفته در پشت تصویر برساخته کنترل دقیق پوتین کنار زد. پوتین که بر اثر تلاش‌های بی‌وقفه به یک نماد نظم تبدیل شده بود، در هنگام شورش واگنرها مستأصل و بدون تصمیم به نظر می‌رسید. بسیاری از نخبگان روسی این سوال را از خود مطرح

نمی‌کردند که چرا «پادشاه برهنه است؟» بلکه این پرسش پیش روی آنان قرار داشت که دلیل طولانی شدن لباس پوشیدن او چیست. پوتین در نهایت با پریگوژین که دو ماه پس از شروع شورش خود در یک سانحه مشکوک سقوط هواپیما کشته شد، تسویه حساب کرد اما انتقادات گزنده پریگوژین از دروغ‌ها و تصمیم‌های نادرست نظامی موجود در کانون جنگ پوتین و فساد در قلب سیستم سیاسی روسیه، به این زودی‌ها ناپدید نخواهد شد.

امسال احتمالاً سال سختی در میدان نبرد اوکراین خواهد بود. آزمونی برای حفظ قدرت که پیامدهای آن فراتر از مبارزه قهرمانانه کنیف برای حفظ آزادی و استقلال خود خواهد بود. پوتین در حال بازسازی تولیدات دفاعی روسیه - با واردات اجزای حیاتی از چین و همچنین تسلیحات و مهمات از ایران و کوریای شمالی - است و اعتقاد دارد که زمان به نفع اوست و می‌تواند اوکراین را نابود کند و حامیان غربی آن را از بین ببرد. مشکل پیش روی اوکراین نیز زدودن غرور پوتین و نشان دادن هزینه‌های بالای تداوم درگیری، به روسیه است. اهدافی که نمتنها با پیشرفت در خطوط مقدم جبهه بلکه با انجام حملات عمیق در پشت مواضع روسیه و دستیابی به دستاوردهای ثابت در بحیره سیاه ممکن خواهد شد. اگر اوکراین در این اهداف موفق شود، پوتین ممکن است دوباره درگیر شاخ‌وشانه کشیدن هسته‌ای شود، البته نادیده گرفتن کامل خطرات ناشی از افزایش تشنج احمقانه است اما به همین اندازه هم احمقانه خواهد بود که بیهوده مرعوب آنها شویم. کلید موفقیت در این نبرد تداوم کمک‌های غرب به اوکراین می‌باشد. این کمک‌ها که هزینه‌ای برابر با کمتر از پنج درصد از بودجه دفاعی ایالات متحده دارند، یک سرمایه‌گذاری نسبتاً متوسط با بازده ژئوپلیتیک قابل توجه برای ایالات متحده و عایدی چشمگیر برای صنعت این کشور به شمار می‌روند. در صورت ایجاد فرصتی برای مذاکرات جدی، تداوم جریان تامین تسلیحات می‌تواند اوکراین را در موقعیت قوی‌تری قرار دهد. این امر فرصتی را برای تضمین یک برد بلند مدت برای اوکراین و یک باخت راهبردی برای روسیه ایجاد می‌کند. اوکراین می‌تواند از حاکمیت خود محافظت کرده و دست به بازسازی کشورش نیز بزند، درحالی‌که روسیه باید با هزینه‌های پایدار حماقت پوتین دست‌وپنجه نرم کند. خروج ایالات متحده از درگیری در این لحظه حیاتی و قطع حمایت از اوکراین، یک گل به خودی تاریخی خواهد بود.

بازی قدرت شی

هیچ‌کس بیشتر از رهبران چین به تماشای حمایت ایالات متحده از اوکراین ننشسته است. چین تنها رقیب ایالات متحده است که هم نیت تغییر نظم بین‌المللی را دارد و هم از قدرت اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و فناوریانه برای انجام این کار برخوردار است. تحول اقتصادی این کشور در پنج دهه گذشته فوق‌العاده بوده است. این اتفاق یکی از مواردی است که مردم چین به خاطر آن مستحق تمجید بسیار هستند. سایر کشورهای جهان نیز براساس این باور که یک چین شکوفا برای کل جهان یک خیر عمومی به شمار می‌رود، از آن حمایت کرده‌اند. اما مسأله، ظهور چین بماهو نیست، بلکه اقدامات تهدیدآمیزی است که به‌طور فزاینده‌ای با این اتفاق همراه است. شی جین پینگ، سومین دوره ریاست‌جمهوری خود را با قدرتی بیشتر از هر یک از اسلاف خود از زمان مانو تسه تونگ آغاز کرده است. او به جای استفاده از این قدرت برای تقویت و احیای نظام بین‌المللی که دگرگونی چین را ممکن ساخت، به دنبال بازنویسی این نظام است. ما در حرفه اطلاعاتی خود اظهارات رهبران را به دقت مطالعه می‌کنیم اما توجه بیشتر ما معطوف به اعمال ایشان است. سرکوب فزاینده شی در داخل و رویکرد تهاجمی او در خارج از کشور، از شراکت «بدون محدودیت» با پوتین تا تهدید برای صلح و ثبات در تنگه تایوان، قابل نادیده گرفتن نیست. با این حال، تاثیر همبستگی غرب بر محاسبات شی درباره خطرات استفاده از زور علیه تایوان که در ژانویه رئیس‌جمهور جدیدی به نام لای چینگ ته را انتخاب کرده است نیز

غیرقابل چشمپوشی است. برای شی، مردی که تمایل دارد ایالات متحده را به عنوان یک قدرت در حال محو شدن ببیند، راهبری امریکا در اوکراین قطعاً غافلگیرکننده بوده است. تمایل ایالات متحده برای وارد کردن ضربات اقتصادی برای مقابله با تجاوزات پوتین - و توانایی این کشور برای گرد هم آوردن متحدان خود برای انجام همین کار - به شدت با باور پکن مبنی بر اینکه امریکا در حال انحطاط نهائی است، تناقض داشت. در نزدیکی سواحل چین نیز، تاب‌آوری شبکه متحدان و شرکای امریکا در سراسر منطقه هند-آرام تأثیری هشیارکننده بر تفکرات پکن داشته است. یکی از بهترین راه‌ها برای احیای مجدد تصورات چینی‌ها مبنی بر بی‌تفاوتی امریکا و دامن زدن به بعد تهاجمی چین، کنار گذاشتن حمایت از اوکراین است. ادامه حمایت مادی از اوکراین به قیمت تايوان تمام نمی‌شود. این پیام مهمی از عزم ایالات متحده است که به تايوان کمک می‌کند.

رقابت با چین در پس‌زمینه وابستگی متقابل اقتصادی و روابط تجاری بین پکن و واشنگتن صورت می‌گیرد. روابطی که نتیجه آن ارائه خدمات گسترده به دو کشور و همچنین سایر نقاط جهان بوده اما در عین حال آسیب‌پذیری‌های حیاتی و خطرات جدی نیز برای امنیت و رفاه امریکا ایجاد کرده است. همه‌گیری کرونا خطر وابستگی به هر کشوری را برای تامین تجهیزات پزشکی نجات‌بخش برای تمامی دولت‌ها روشن کرد، همان‌طور که جنگ روسیه در اوکراین نیز اروپایی‌ها را متوجه وابستگی به یک کشور دیگر در عرصه انرژی نمود. در دنیای امروز، هیچ کشوری نمی‌خواهد خود را تحت‌الحمایه یک تامین‌کننده مواد معدنی حیاتی و فناوری‌های مختلف بباید، به‌ویژه اگر تامین‌کننده مذکور قصد استفاده از این وابستگی‌ها به عنوان یک سلاح را داشته باشد. همان‌طور که سیاستگذاران امریکائی هم اظهار داشته‌اند، بهترین پاسخ، «ریسک‌زدائی» و متنوع‌سازی معقول است؛ تامین امنیت زنجیره تامین ایالات متحده، محافظت از برتری فناورانه این کشور و سرمایه‌گذاری در ظرفیت صنعتی آن.

در این دنیای پرنوسان و متفوق، وزن کشورهایی که «وسط بازی» می‌کنند در حال افزایش است. دموکراسی‌ها و حکومت‌های استبدادی، اقتصادهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه و کشورهای جنوب جهانی به‌طور فزاینده‌ای قصد دارند روابطشان را برای به حداکثر رساندن گزینه‌های پیش روی خود متنوع کنند. آنها منافع کم و خطرات زیادی را در پایبندی به روابط ژئوپلیتیک تنها با یکی از دو کشور ایالات متحده و چین می‌بینند. کشورهای بیشتری احتمالاً جذب وضعیت روابط ژئوپلیتیک «باز» شده و به پیروی از ایالات متحده در برخی از مسائل پرداخته و در عین حال روابط خود با چین را نیز تقویت خواهند کرد. و اگر گذشته را رویه خود قرار دهیم، واشنگتن باید مراقب رقابت بین تعداد فزاینده قدرت‌های متوسط باشد؛ رقابتی که در طول تاریخ به شعله‌ور شدن درگیری بین قدرت‌های بزرگ کمک کرده است.

گره‌ی آشنا

بحرانی که بر اثر «توحش» حماس در اسرائیل در ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ ایجاد شد، یادآوری دردناکی از پیچیدگی انتخاب‌هایی است که ایالات متحده همچنان در خاورمیانه با آنها روبه‌رو است. رقابت با چین همچنان بالاترین اولویت واشنگتن خواهد بود، اما این گزاره بدان معنا نیست که واشنگتن می‌تواند از مشکل‌های دیگر خود بگریزد؛ منظور از جمله مذکور فقط این است که ایالات متحده باید با دقت و انضباط حرکت کند، از افراط اجتناب کرده و از نفوذ خود عاقلانه بهره‌برد.

من بخش زیادی از چهار دهه گذشته را در خاورمیانه و روی آن کار کرده‌ام و کمتر آن را در شرایطی پرگرم‌تر و انفجاری‌تر از وضعیت کنونی دیده‌ام. پایان دادن به عملیات زمینی شدید اسرائیل در نوار غزه، رفع نیازهای عمیق

انسانی غیرنظامیان دردمند فلسطینی، آزادی گروگان‌ها، جلوگیری از گسترش درگیری به دیگر جبهه‌ها در منطقه و شکل دادن به رویکردی کاربردی برای «روز بعد» در غزه. همه مشکلات فوق‌العاده دشواری هستند. امید به نیل به صلحی پایدار که امنیت اسرائیل و همچنین تشکیل کشور فلسطینی را تضمین کند و همچنین استفاده از فرصت‌های تاریخی برای عادی‌سازی روابط با عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی هم بر همین سیاق هستند. تصور این احتمالات در بحبوحه بحران کنونی دشوارتر است، اما بیرون آمدن از این بحران بدون نیل به اهداف فوق‌الذکر دشوارتر می‌باشد.

کلید امنیت اسرائیل - منطقه - نحوه رویکرد با ایران است. رژیم ایران بر اثر بحران غزه جسورتر شده است و به نظر می‌رسد آماده است تا به قیمت آخرین گروه‌های نیابتی خود نیز بجنگد، برنامه هسته‌ای خود را گسترش دهد و تجاوز روسیه را تسهیل سازد. در ماه‌های پس از ۷ اکتبر، حوثی‌ها، گروه شورشی یمنی متحد با ایران، شروع به حمله به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ کرده‌اند و خطرات تشدید تشنج در جبهه‌های دیگر همچنان ادامه دارد. ایالات متحده به طور انحصاری مسئول حل هیچ یک از مشکلات آزاردهنده خاورمیانه نیست؛ اما هیچ یک از این مشکلات، بدون رهبری فعال و اشنگتن، امکان مدیریت - چه برسد به حل - ندارند.

جاسوس‌هایی مثل ما

رقابت و عدم قطعیت ژئوپلیتیک - تازه صرف‌نظر از مشکل‌های مشترکی مانند تغییرات آب و هوایی و پیشرفت‌های بی‌سابقه‌ی فناوریانه مانند هوش مصنوعی - چشم‌انداز بین‌المللی پیچیده‌ای را خلق کرده است. سیا می‌بایست رویکرد خود را به امر اطلاعات عوض کند تا با این دنیای به سرعت در حال تغییر همگام شود. سیا و بقیه جامعه اطلاعاتی ایالات متحده - به رهبری آوریل هاینز، مدیر اطلاعات ملی - سخت کار می‌کنند تا با فوریت و خلاقیت لازم با این شرایط هماهنگ شوند.

این چشم‌انداز جدید مشکل‌های خاصی را برای سازمانی که بر هوش انسانی متمرکز است، به وجود آورده است. در دنیایی که رقبای اصلی ایالات متحده - چین و روسیه - توسط مستبدان شخصی رهبری می‌شوند که تنها در حلقه‌های کوچک و منزوی مشاوران خود فعالیت می‌کنند، دستیابی به بینش درباره اهداف رهبران مهم‌تر و دشوارتر از همیشه است.

همان‌طور که ۱۱ سپتامبر دوران جدیدی را برای سیا آغاز کرد، حمله روسیه به اوکراین نیز سرآغاز جدیدی برای ما بود. من عمیقاً به کاری که سیا و شرکای اطلاعاتی ما برای کمک به رئیس‌جمهور و سیاست‌گذاران ارشد ایالات متحده - و به ویژه خود اوکراینی‌ها - برای ناکام گذاشتن پوتین انجام داده‌اند، افتخار می‌کنم. ما در کنار هم هشدارهای اولیه و دقیقی درباره تهاجم روسیه ارائه کردیم. این آگاهی همچنین رئیس‌جمهور را بر آن داشت تا من را در نوامبر ۲۰۲۱ به مسکو اعزام کند تا به پوتین و مشاوران او درباره عواقب حمله‌ای که می‌دانستیم آنها در حال برنامه ریزی برای آن هستند، هشدار دهم؛ اما روس‌ها که متقاعد شده بودند پنجره آنها برای تسلط بر اوکراین در حال بسته شدن است و زمستان پیش‌رو فرصت مساعدی را در اختیار روسیه قرار می‌دهد، وقعی ننهادند و موضع خود را تغییر ندادند. آنها وضعیت خود را به شدت دست‌بالا گرفته و مقاومت اوکراینی‌ها و قاطعیت غربی‌ها را دست‌کم گرفته بودند.

اطلاعات خوب از همان زمان به رئیس‌جمهور بایدن کمک کرده است تا ائتلاف قدرتمندی از کشورها را در حمایت از اوکراین بسیج و حفظ کند. این اطلاعات همچنین اوکراین را بر آن داشته است تا با شجاعت و استقامت قابل توجهی از خود دفاع کند. رئیس‌جمهور همچنین استفاده خلاقانه‌ای از راهبرد «از طبقه‌بندی خارج ساختن راهبردی» داشته است.

قبل از تهاجم، دولت امریکا، همراه با دولت بریتانیا، طرح‌های روسیه را برای عملیات‌های «پرچم دروغین» افشا کردند [منظور از عملیات‌های پرچم دروغین عملیات‌های پنهانی هستند که طوری طراحی شده‌اند که به نظر برسند گروه یا کشور دیگری آنها را انجام داده است]؛ عملیات‌هایی که برای مقصر دانستن اوکراینی‌ها و ایجاد بهانه‌ای برای توجیه اقدام نظامی روسیه طراحی شده بودند. این افشاگری‌ها و افشاگری‌های متعاقب آنها سبب شده‌اند تا پوتین نتواند دوباره از روایات غلطی که من در گذشته شاهد استفاده او از آنها به عنوان سلاح بوده‌ام، استفاده کند. به علاوه بر اثر همین افشاگری‌ها و خارج کردن اطلاعات از طبقه‌بندی، پوتین در موقعیت ضعیف و منزله‌ای قرار گرفته که عادتاً به آن ندارد. اوکراین و ائتلاف حامی آن نیز تقویت شده‌اند. در همین حال و در زیر لایه ضخیم پروپاگاندا و سرکوب دولتی، نارضایتی از جنگ در حال بلعیدن رهبری و مردم روسیه است. این جریان پنهانی نارضایتی، فرصتی برای جذب نیرو در اختیار سیا قرار داده است که در هر نسل یک بار رخ می‌دهد. ما اجازه نمی‌دهیم که این فرصت هدر برود.

اگرچه روسیه ممکن است فوری‌ترین مشکل ما باشد، اما چین تهدید بلندمدت بزرگتری است؛ در دو سال گذشته، سیا خود را برای انعکاس این اولویت تطبیق داده است. ما این تجدید ساختار را با تصدیق یک واقعیت سازمانی که من مدت‌ها پیش آن را آموخته‌ام، شروع کردیم: اولویت‌ها واقعی نیستند مگر اینکه بودجه آنها را منعکس کند. بر این اساس، سیا منابع بیشتری را برای جمع‌آوری، عملیات و تحلیل‌های اطلاعاتی مرتبط با چین در سرتاسر جهان اختصاص داده است. بودجه ما برای تمرکز بر روی چین در دو سال گذشته دو برابر شده است. ما گویش‌وران ماندارین بیشتری را استخدام و آموزش می‌دهیم و در عین حال تلاش‌ها را در سرتاسر جهان - از امریکای لاتین گرفته تا افریقا و آسیا اقیانوسیه - برای رقابت با چین افزایش داده‌ایم.

سیا حدود ۱۲ «مرکز ماموریت» دارد؛ گروه‌های «مختص به موضوعی» که افسرانی از دایره‌های مختلف سازمان در آن گرد هم آمده‌اند. در سال ۲۰۲۱، ما یک مرکز ماموریت جدید را راه‌اندازی کردیم که به طور انحصاری روی چین متمرکز بوده و تنها مرکز ماموریت تک‌کشوری ما به شمار می‌رود. این مرکز سازوکار کانونی برای هماهنگی امور در حوزه چین را فراهم می‌کند؛ امری که امروزه به همه جای سیا گسترش یافته است. ما همچنین بی‌سروصدا در حال تقویت کانال‌های اطلاعاتی با هم‌تایان خود در پکن هستیم؛ کانال‌هایی که ابزاری مهم برای کمک به سیاست‌گذاران برای جلوگیری از سوءتفاهم‌های غیرضروری و برخوردهای سهوی بین ایالات متحده و چین به شمار می‌روند. حتی با وجود اینکه چین و روسیه بیشترین توجه سیا را به خود اختصاص داده‌اند، این آژانس نمی‌تواند از مشکل‌های دیگر، از مبارزه با تروریسم گرفته تا بی‌ثباتی منطقه‌ای غافل شود. حمله موفقیت‌آمیز ایالات متحده در افغانستان در ژوئیه ۲۰۲۲ علیه ایمن‌الظواهری یکی از بنیانگذاران القاعده و رهبر سابق این گروه نشان داد که سیا به‌شدت روی تهدیدات تروریستی متمرکز است و توانایی‌های قابل‌توجهی برای مبارزه با آنها دارد. سیا همچنین منابع قابل‌توجهی را برای کمک به مبارزه با فنتانیل، ماده افیونی مصنوعی که هر ساله ده‌ها هزار امریکایی را به کام مرگ می‌کشد، اختصاص داده است. به علاوه، مشکل‌های منطقه‌ای آشنا هم در حال ظهور هستند؛ آن‌هم نه‌تنها در مکان‌هایی مانند کوریای شمالی و دریای چین جنوبی که مدت‌هاست از نظر راهبردی مهم تلقی می‌شوند، بلکه در بخش‌هایی از جهان که اهمیت ژئوپلیتیکی آنها تنها در سال‌های آینده افزایش خواهد یافت - مانند امریکای لاتین و افریقا.

جاسوسان باهوش‌تر

در همین حال ما در حال تغییر رویکرد خود نسبت به فناوری‌های نوظهور هستیم. سیا در حال کار روی ترکیب ابزارهای پیشرفته با تکنیک‌های قدیمی برای جمع‌آوری اطلاعات از افراد - هوش انسانی یا HUMINT است. البته

فناوری بسیاری از جنبه‌های جاسوسی را سخت‌تر از همیشه کرده است. در عصر شهرهای هوشمند و با وجود دوربین‌های فیلمبرداری در همه خیابان‌ها و همچنین فناوری تشخیص چهره، جاسوسی بسیار سخت‌تر شده است. برای یک افسر سیا که در خارج از کشور و در کشوری متخاصم کار می‌کند و با منابعی ملاقات می‌کند که امنیت خود را برای ارائه اطلاعات ارزشمند به خطر می‌اندازند، نظارت مداوم یک تهدید حاد به شمار می‌رود؛ اما همین فناوری که گاهی علیه سیا کار می‌کند - چه در قالب استخراج کلان‌داده‌هایی که می‌توانند الگوهای ثابت این آژانس را افشا کنند یا شبکه‌های وسیعی از دوربین‌ها که تمامی حرکات مأموران را ضبط می‌کنند - می‌تواند برای سیا و علیه دیگران فعالیت کند. سیا در حال هم‌اوردی با رقبای خود برای استفاده از فناوری‌های نوظهور است. این آژانس اولین مدیر ارشد فناوری خود را منصوب کرده است. مرکز مأموریت جدید دیگری نیز ایجاد شده است که بر ایجاد مشارکت بهتر با بخش خصوصی متمرکز است؛ جایی که نوآوری امریکائی مزیت رقابتی قابل‌توجهی را در اختیار ما قرار می‌دهد.

استعداد علمی و فناوری داخلی سیا همچنان عالی است. این آژانس در طول سال‌ها انبارهایی از ابزارآلات جاسوسی را ایجاد کرده است؛ ابزارهایی که انتخاب مورد علاقه من در بین آنها یک دوربین متعلق به زمان جنگ سرد است که به‌گونه‌ای طراحی شده که شبیه سنجاکک به نظر رسیده و در هوا بال بزند. انقلاب در هوش مصنوعی و انبوه اطلاعات منبع باز در کنار آنچه به‌صورت مخفیانه جمع‌آوری می‌کنیم، فرصت‌های تاریخی جدیدی را برای تحلیلگران سیا ایجاد می‌کند. ما در حال توسعه ابزارهای هوش مصنوعی جدید برای کمک به هضم سریع‌تر و کارآمدتر همه این مواد هستیم؛ امری که به افسران ما اجازه می‌دهد فرصت بیشتری برای بهترین کارکرد خود داشته باشند؛ ارائه قضاوت و بینش‌های مستدل درباره آنچه برای سیاستگذاران است و آنچه برای منافع امریکا بیشترین اهمیت را دارد. هوش مصنوعی جایگزین تحلیلگران انسانی نمی‌شود، اما آنها را قدرتمندتر می‌کند.

اولویت دیگر ما در این دوره جدید، تعمیق شبکه بی‌بدیل مشارکت اطلاعاتی سیا در سراسر جهان است؛ موهبتی که رقبای تنهای ایالات متحده در حال حاضر فاقد آن هستند. توانائی سیا برای بهره‌مندی از شرکای خود - از مجموعه آنها، تخصص آنها، دیدگاه‌های آنها و ظرفیت آنها برای عملیات راحت‌تر در بسیاری از اماکن - برای موفقیت سیا بسیار مهم است. همان‌طور که دیپلماسی به احیای این شراکت‌های قدیمی و جدید بستگی دارد اطلاعات نیز همین‌گونه است. تعاملات انسانی در کانون حرفه اطلاعات قرار دارند و تقویت روابط با نزدیکترین متحدان مان و برقراری ارتباط با سرسخت‌ترین به جز از طریق تماس مستقیم ممکن نیست. در بیش از ۵۰ سفر خارجی در نزدیک به سه سال تصدی مسئولیت سیا، طیف وسیعی از این روابط را اجرائی کرده‌ام.

گاهی اوقات و در شرایطی که برقراری تماس با دشمنان تاریخی ممکن است معنای ضمنی به رسمیت شناختن آنها را داشته باشد ارتباطگیری برای افسران اطلاعاتی راحت‌تر از دیپلمات‌هاست. به همین دلیل است که رئیس‌جمهور بایدن من را در اواخر آگوست ۲۰۲۱ به کابل فرستاد تا درست قبل از خروج نهائی نیروهای امریکائی با رهبری طالبان مذاکره کنم. بعضاً نیز روابط سیا در بخش‌های پیچیده جهان می‌تواند امکانات عملی را در اختیار ما قرار دهد. مانند مذاکرات جاری با مصر، اسرائیل، قطر و حماس بر سر آتش‌بس بشردوستانه و آزادی گروگان‌ها در غزه. گاهی نیز چنین روابطی می‌توانند در روابط پرفراز و نشیب سیاسی وزنه تعادلی باشند. دیپلماسی اطلاعاتی همچنین می‌تواند همگرایی منافع را تشویق کرده و بی‌سروصدا از تلاش‌های دیپلمات‌ها و سیاستگذاران امریکائی حمایت کند.

در سایه

هر روز که پیام‌های واصله از ایستگاه‌هایمان در سراسر جهان را می‌خوانم، هنگامی که به پایتخت‌های خارجی سفر می‌کنم یا وقتی با همکارانم در مقر سیا صحبت می‌کنم، مهارت و شجاعت افسران سیا و همچنین مشکل‌های بی‌وقفه‌ای که با آنها روبه‌رو هستند در نظرم جلوه‌گر می‌شود. آنها در جاهای سخت مشغول انجام کارهای سخت هستند. مأموران ما به‌خصوص پس از ۱۱ سپتامبر، با سرعتی فوق‌العاده سریع عمل کرده‌اند. در واقع، مراقبت از مأموریت سیا در این دوران جدید و دلهره‌آور به مراقبت از افراد خودمان بستگی دارد. به همین دلیل است که سیا منابع پزشکی خود را در مقر اصلی و همچنین در میدان تقویت کرده است. در همین راستا برنامه‌های ویژه‌ای برای خانواده‌ها در نظر گرفته شده است و مسیرهای شغلی انعطاف‌پذیرتری، به‌ویژه برای فناوری‌ها در نظر گرفته شده‌اند تا افسران سیا بتوانند به بخش خصوصی بروند و بعداً به این آژانس بازگردند.

ما فرآیند استخدام افسران جدید را تسهیل ساخته‌ایم. اکنون یک‌چهارم زمانی که دو سال پیش به طول می‌انجامید، انتقال از مرحله درخواست استخدام به پیشنهاد نهائی و تأیید امنیتی به طول می‌انجامد. این پیشرفت‌ها به افزایش علاقه به عضویت در سیا کمک کرده است. در سال ۲۰۲۳ ما بیشترین متقاضی استخدام در سیا پس از ۱۱ سپتامبر را داشتیم. ما همچنین سخت کار می‌کنیم تا نیروی کارمان را متنوع کنیم. در سال گذشته میلادی از نظر تعداد افسران زن و اقلیت استخدام‌شده یا ارتقایافته به بالاترین رده‌های آژانس به بالاترین سطح تاریخی خود رسیدیم.

افسران سیا به حسب ضرورت در سایه عمل می‌کنند؛ آنها معمولاً دور از چشم و خارج از اذهان هستند. خطرات و فداکاری‌هایی هم که انجام می‌دهند به‌ندرت به‌خوبی درک می‌شوند. در لحظه‌ای که اعتماد به نهادهای عمومی ایالات‌متحده اغلب کم است، سیا یک نهاد قاطعانه غیرسیاسی باقی مانده و کماکان به سوگند من و سایر اعضای خود برای دفاع از قانون اساسی و تعهدات قانونی خود متعهد است.

افسران سیا همچنین با یک احساس جمعی و تعهد عمیق و مشترک به ارائه خدمات عمومی در این لحظه حیاتی در تاریخ آمریکا به یکدیگر پیوند خورده‌اند. آنها حقیقت را در نصیحتی که سال‌ها پیش من از پدرم که سابقه نظامی برجسته‌ای داشت شنیدم، می‌دانند. درحالی‌که بر سر آینده حرفه‌ای خود در کلنجا بودم، او دست‌نوشته‌ای برایم فرستاد که در آن نوشته بود: «هیچ چیز نمی‌تواند تو را به اندازه اینکه با افتخار به کشورت خدمت کنی، سربلند کند.» این نوشته به من کمک کرد تا در یک شغل طولانی و موفق در دولت ابتدا در وزارت خارجه و اکنون در سیا فعالیت کنم. من هرگز از انتخابی که کردم پشیمان نشده‌ام و به خدمت کنار هزاران افسر دیگر سیا که همین احساس را نسبت به شغل خود دارند - و در حال مقابله با مشکل‌های عصر جدید هستند- بسیار افتخار می‌کنم.

برگرفته از: فرهیختگان
منتشر شده در تاریخ: پنجشنبه ۱۲ بهمن